

پی آمدهای سقوط بشار اسد

علی معموری



سقوط سریع و غیرمنتظره‌ی پایتخت سوریه، دمشق، پایتخت سوریه، به دست نیروهای مخالف سنی، لحظه‌ای مهم در تاریخ مدرن خاورمیانه است.

رژیم بشار اسد از زمان شروع اعتراضات گسترده در سال ۲۰۱۱، بیش از یک دهه در برابر قیام‌ها، جنگ داخلی و تحریم‌های بین‌المللی مقاومت کرده بود. با این حال، در اندک زمانی فروپاشید.

این چرخش ناگهانی وقایع، با پیشروی اپوزیسیون بدون نبردها یا مقاومت‌های قابل توجه، باعث شد تا قدرت‌های منطقه‌ای تلاش کنند این سقوط و پی‌آمدهای گسترده‌تر آن ارزیابی کنند.

این تحول تماشایی نشانه‌ی جابه‌جایی پویایی قدرت در منطقه است. همچنین سؤالاتی درباره‌ی آینده‌ی سوریه و نقش همسایگان آن و ذی‌نفعان جهانی و منطقه‌ای در مدیریت چشم‌انداز پس از اسد مطرح می‌کند.

آینده‌ی سوریه چه خواهد شد؟

با فروپاشی رژیم اسد، سوریه اکنون خود را تکه‌تکه و تقسیم‌شده در میان سه جناح مسلط می‌یابد که هرکدام حامیان خارجی و اهدافی متمایز دارند:

۱. نیروهای مخالف سوری به رهبری حیات تحریرالشام: این گروه‌ها با پشتیبانی ترکیه اکنون سوریه‌ی مرکزی را که گستره‌ی آن از مرز شمالی با ترکیه تا مرز جنوبی با اردن است در کنترل دارند.

آنها هویت مذهبی مشترکی دارند، اما جناح‌های سنی سابقه‌ی درگیری‌های درونی دارند که می‌تواند مانع از توانایی آنها برای تشکیل یک دولت منسجم یا حفظ ثبات طولانی‌مدت شود.

دامنه‌ی این نیروهای اپوزیسیون از جهادی‌های سابق «دولت اسلامی [داعش]» و القاعده گرفته تا گروه‌های سکولار مانند ارتش ملی سوریه را که پس از قیام ۲۰۱۱ از ارتش اسد جدا شدند، دربر می‌گیرد.

۲. نیروهای کرد: گروه‌های کرد قلمرویی در شمال شرقی سوریه، از شمال در همسایگی ترکیه و از شرق با عراق تحت کنترل دارند. آنها همچنان از حمایت ایالات متحده برخوردارند و این کشور پایگاه‌های نظامی در این منطقه ایجاد کرده است. این حمایت خطر تشدید تنش‌ها با ترکیه را به همراه دارد چراکه ترکیه توانمندسازی کردها را تهدیدی برای تمامیت ارضی خود می‌داند.

۳. نیروهای علوی: جناح‌های علوی طرفدار اسد، عمدتاً در مناطق ساحلی غرب سوریه واقع شده‌اند و روابط قدرتمندی با ایران، عراق و گروه شبه‌نظامی حزب الله لبنان دارند. این مناطق می‌توانند به‌عنوان پایگاهی برای بقایای گروه‌های وابسته به اسد پس از تسلط مخالفان عمل کنند و شکاف‌های فرقه‌ای را تداوم بخشند.

اختلافات شدید بین این گروه‌ها، همراه با نبود یک میانجی مورد پذیرش دوجانبه، نشان می‌دهد که سوریه اکنون ممکن است با بی‌ثباتی و درگیری طولانی‌مدت مواجه شود.

پی‌آمدهای سقوط اسد بر منطقه

سقوط سریع رژیم اسد پیامدهای عمیقی برای بازیگران اصلی در خاورمیانه دارد. نیروهای شورشی سنی با حمایت قدرتمند از جانب ترکیه، از لحظه‌ی آسیب‌پذیری در سوریه بهره بردند. متحدان رژیم اسد درگیری‌های خود را داشتند - روسیه با جنگ جاری خود در اوکراین و ایران و نیروهای نیابتی آن با درگیری مداوم خود با اسرائیل. این لحظه فرصتی استراتژیک برای شورشیان فراهم کرد تا به سرعت در سراسر سوریه به سمت پایتخت دمشق پیشروی کنند.

ترکیه در حال حاضر به‌طور مؤثر نواری از خاک را در شمال سوریه در کنترل دارد؛ منطقه‌ای که ارتش این کشور درگیر جنگ با نیروهای کرد سوریه بوده‌اند. اکنون با پیروزی ائتلاف اپوزیسیون سوریه، انتظار می‌رود ترکیه نفوذ سیاسی و نظامی خود را در سوریه گسترش دهد و برای اقلیت کردی که برای خودگردانی خود می‌جنگند، چالش‌های بیشتری را ایجاد کند.

اسرائیل نیز در موقعیت استراتژیک بهتری قرار دارد. سقوط اسد به اصطلاح «محور مقاومت» متشکل از ایران، سوریه و گروه‌های نیابتی تهران مانند حزب‌الله لبنان، حماس در غزه و شورشیان حوثی در یمن را مختل می‌کند.

خطوط تدارکاتی حیاتی عرضه‌ی نظامی ایران برای حزب‌الله احتمالاً قطع خواهد شد و با منزوی ساختن این گروه شبه‌نظامی، احتمالاً حتی بیش از این تضعیف خواهد شد.

علاوه بر این، تقسیم سوریه به گروه‌های قومیتی و مذهبی می‌تواند تمرکز منطقه‌ای بر اسرائیل را کاهش دهد و فضایی برای این کشور فراهم کند تا اهداف استراتژیک‌تر خود را دنبال کند. برای مثال، پس از موافقت اسرائیل با آتش‌بس با حزب‌الله در ماه گذشته، بنیامین نتانیاہو، نخست‌وزیر اسرائیل بر تغییر تمرکز برای مقابله با «تهدید ایران» تأکید کرد.

در این میان بیش‌ترین باخت از آن ایران است. اسد متحدی مهم در شبکه‌ی نیابتی منطقه‌ای ایران بود. و فروپاشی دولت او به دنبال آسیب سنگینی است که اسرائیل قبلاً به دیگر شرکای ایران، حماس و حزب‌الله وارد کرده است. نفوذ منطقه‌ای ایران اکنون به‌شدت کاهش یافته است و این کشور در برابر درگیری مستقیم با اسرائیل آسیب‌پذیرتر شده است.

تجزیه‌ی سوریه مخاطرات امنیتی مهمی برای کشورهای همسایه‌ی آن - ترکیه، عراق، اردن و لبنان - به همراه دارد. جریان پناهجویان، خشونت‌های فرامرزی و تنش‌های فرقه‌ای احتمالاً تشدید خواهد شد. ترکیه در حال حاضر میزبان بیش از ۳ میلیون پناهجوی سوری است که امیدوار است اکنون که دولت اسد از بین رفته است، بسیاری از آنها به کشور خود بازگردند.

برای عراق و لبنان، این بی‌ثباتی می‌تواند وضعیت شکننده‌ی سیاسی و اقتصادی را تشدید کند. بالکانیزاسیون سوریه در امتداد خطوط قومی و مذهبی می‌تواند گروه‌های دیگر در منطقه را به شورش علیه دولت‌ها برای دستیابی به خودمختاری‌شان تشویق کند. این وضعیت مخاطره‌ی تشدید اختلافات و طولانی‌شدن درگیری‌ها در سراسر منطقه را به دنبال دارد.

پی‌آمدهای سقوط اسد

در حالی که بسیاری از سوری‌ها سقوط اسد را جشن گرفته‌اند، معلوم نیست که زندگی‌شان چندان بهتر می‌شود یا خیر. با عدم وجود یک دولت واحد و به رسمیت شناخته شده‌ی بین‌المللی در سوریه، بعید است تحریم‌ها لغو شوند. این امر اقتصاد سوریه را که از قبل ویران شده است، بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد، بحران انسانی را عمیق‌تر می‌کند و به طور بالقوه به افراط‌گرایی دامن می‌زند.

پیوند با متن انگلیسی:

[The Conversation](#)